

مجموعه گزارش‌های "با ما بخوانید"

شماره ۱۹: گزارش تحلیلی بازار جهانی نفت در ژوئیه و اوت ۲۰۲۶

پیامدها و درس‌های راهبردی برای ایران

❖ مقدمه

تحولات اخیر بازار جهانی نفت نشان داده است که در این بازار، افزایش تولید لزوماً به معنای افزایش عرضه قابل دسترس و در نهایت افزایش درآمد نفتی نیست. اختلال در تنگه هرمز و محدودیت‌های ایجادشده در مسیرهای صادراتی و حمل‌ونقل، این واقعیت را بیش از گذشته آشکار کرده است: نفت تنها زمانی ارزش اقتصادی خود را محقق می‌کند که امکان انتقال، صادرات و فروش آن نیز وجود داشته باشد. از همین رو، بررسی هم‌زمان گزارش‌های ژوئیه و اوت ۲۰۲۶ صرفاً مقایسه دو گزارش ماهانه نیست، بلکه تصویری از تغییر وضعیت بازار و محدودیت‌های پیش روی عرضه نفت در کوتاه‌مدت و میان‌مدت ارائه می‌دهد.

گزارش ژوئیه از بازیابی بخشی از تولید و عرضه پس از اختلال‌های اولیه حکایت داشت، اما گزارش اوت نشان می‌دهد که این بازیابی هنوز به بازگشت کامل بازار به شرایط عادی منجر نشده است. در کوتاه‌مدت، کسری عرضه افزایش یافته و موجودی‌های جهانی کاهش پیدا کرده‌اند؛ در عین حال، پیش‌بینی رشد عرضه در سال ۲۰۲۷ همچنان از احتمال افزایش قابل توجه عرضه و کاهش فشار بازار در میان‌مدت خبر می‌دهد. بنابراین بازار نفت در برابر دو روند هم‌زمان قرار گرفته است: فشار بر عرضه در کوتاه‌مدت و احتمال افزایش عرضه در افق میان‌مدت. این شرایط برای ایران اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا برخورداری از ظرفیت تولید بالا، بدون دسترسی پایدار به مسیرهای صادراتی، زیرساخت مناسب، بازارهای متنوع و امکان وصول درآمد، الزاماً به مزیت اقتصادی تبدیل نمی‌شود. بر این اساس، پرسش اصلی برای ایران تنها این نیست که چه میزان نفت می‌توان تولید کرد، بلکه این است که چه میزان از این ظرفیت را می‌توان به تولید پایدار، صادرات مستمر و درآمد قابل وصول تبدیل کرد. گزارش حاضر با مقایسه تحولات بازار نفت در ژوئیه و اوت ۲۰۲۶، ضمن بررسی وضعیت عرضه، تقاضا، موجودی‌ها و چشم‌انداز سال ۲۰۲۷، پیامدهای این تحولات را برای سیاست نفتی ایران و همچنین صنایع اصفهان بررسی می‌کند.

❖ بازار نفت؛ افزایش تولید، بدون بازگشت کامل عرضه

عرضه جهانی نفت در ژوئیه به ۱۰۱.۵ میلیون بشکه در روز رسید؛ رقمی بالاتر از ماه قبل، اما همچنان پایین‌تر از سطح سال گذشته. این اختلاف نشان می‌دهد که بخشی از ظرفیت تولید بازیابی شده، ولی اختلال در مسیرهای صادراتی مانع از ورود کامل نفت تولیدشده به بازار شده است. بنابراین در ارزیابی وضعیت نفت ایران باید میان

تولید، نفت قابل صادرات و درآمد قابل وصول تفاوت قائل شد. افزایش یکی از این شاخص‌ها الزاماً به معنای افزایش متناسب شاخص‌های دیگر نیست و سیاست‌گذاری نفتی باید بر کل زنجیره، از تولید تا فروش و وصول درآمد، متمرکز باشد.

❖ تنگه هرمز؛ اهمیت مسیر انتقال در کنار ظرفیت تولید

اختلال در تنگه هرمز نشان داد که در بازار نفت، امنیت مسیر انتقال به اندازه ظرفیت تولید اهمیت دارد. صادرات نفت منطقه خلیج فارس در ژوئیه حدود ۱۵ میلیون بشکه در روز برآورد شد که ۲.۱ میلیون بشکه کمتر از ژوئن بود؛ این کاهش در شرایطی رخ داد که بخشی از تولید منطقه دوباره فعال شده بود. برای ایران، این تجربه اهمیت کاهش ریسک صادرات را برجسته می‌کند. افزایش تولید در نبود مسیر صادراتی مطمئن، ظرفیت ذخیره‌سازی کافی، حمل‌ونقل و امکان فروش، لزوماً به افزایش درآمد منجر نمی‌شود. از این رو، توسعه زیرساخت و تنوع‌بخشی به مسیرها و روش‌های صادرات باید هم‌زمان با سیاست افزایش تولید دنبال شود.

❖ کاهش ذخایر؛ کاهش حاشیه امنیت بازار

یکی از مهم‌ترین تغییرات میان ژوئن و ژوئیه، تغییر جهت موجودی جهانی بود. موجودی مشاهده‌شده در ژوئن حدود ۲۱ میلیون بشکه افزایش یافت، اما در ژوئیه ۶۹ میلیون بشکه کاهش پیدا کرد. با این حال، این کاهش نباید به معنای افت معادل ذخایر خشکی تفسیر شود؛ بخش عمده کاهش مربوط به نفت روی آب بوده و ذخایر خشکی تنها حدود ۶ میلیون بشکه کاهش داشته‌اند. بنابراین پیام اصلی، کاهش حاشیه امنیت و استفاده بیشتر از نفت موجود برای جبران اختلال در جریان عرضه است، نه صرفاً کاهش ذخایر فیزیکی خشکی. استمرار این وضعیت می‌تواند حساسیت بازار نسبت به اختلالات جدید را افزایش دهد و دامنه نوسان قیمت‌ها را بیشتر کند.

❖ فشار بر فرآورده‌ها؛ اهمیت زنجیره ارزش نفت

اختلال عرضه تنها بازار نفت خام را تحت تأثیر قرار نداده است. کاهش عرضه خوراک پالایشگاه‌ها و اختلال در تجارت فرآورده‌ها فشار بر بازار گازوئیل و سوخت جت را افزایش داده و در برخی مناطق به رشد حاشیه سود پالایشگاه‌ها منجر شده است. برای ایران، این تحول نشان می‌دهد ارزش اقتصادی نفت صرفاً به فروش نفت خام محدود نیست و توانایی تبدیل آن به فرآورده رقابتی و عرضه در بازارهای متنوع اهمیت فزاینده‌ای دارد. بنابراین سرمایه‌گذاری در پالایش و پتروشیمی باید بیش از افزایش ظرفیت اسمی، بر بهره‌وری، انعطاف‌پذیری و افزایش ارزش افزوده متمرکز شود.

❖ کوتاه‌مدت سخت‌تر، اما افق ۲۰۲۷ متفاوت

برآورد اوت نسبت به ژوئیه، کسری بازار در سه‌ماهه سوم ۲۰۲۶ را از حدود ۰.۸ به ۱.۸ میلیون بشکه در روز افزایش داده است. این تغییر نشان‌دهنده تشدید فشار کوتاه‌مدت بر عرضه است. با این حال، سمت تقاضا نیز نباید نادیده

گرفته شود. پیش‌بینی کاهش تقاضای جهانی از ۱ به ۱.۶ میلیون بشکه در روز نشان می‌دهد بازار هم‌زمان با محدودیت عرضه، با تضعیف مصرف نیز مواجه است. بنابراین وضعیت فعلی را نمی‌توان صرفاً یک بحران عرضه دانست؛ ترکیب محدودیت عرضه و ضعف تقاضا تعیین‌کننده مسیر بازار خواهد بود.

در مقابل، چشم‌انداز ۲۰۲۷ متفاوت است. رشد عرضه جهانی در این سال حدود ۸.۳ میلیون بشکه در روز پیش‌بینی شده، اما این رقم نباید به‌عنوان افزایش قطعی عرضه تلقی شود؛ بخش مهمی از آن به بازگشت عرضه‌ای مربوط است که در سال ۲۰۲۶ مختل شده و تحقق آن به عادی‌شدن مسیرهای انتقال و صادرات وابسته است. با وجود این، احتمال افزایش عرضه و کاهش فشار قیمتی در میان‌مدت قابل توجه است. بنابراین برای سیاست‌گذاری ایران، اتکا به تداوم قیمت‌های بالای فعلی می‌تواند ریسک ایجاد کند و تصمیم‌های مالی و بودجه‌ای باید در برابر هر دو وضعیت قیمت بالا و کاهش قیمت مقاوم باشند.

❖ مهم‌ترین تغییرات ژوئیه و اوت

مقایسه گزارش‌های ژوئیه و اوت نشان می‌دهد که ارزیابی بازار نفت در فاصله این دو گزارش تغییر کرده است. در حالی که بخشی از عرضه مختل‌شده در حال بازگشت بوده، برآورد کسری بازار در کوتاه‌مدت افزایش یافته و چشم‌انداز تقاضای جهانی نیز ضعیف‌تر شده است. در مقابل، پیش‌بینی رشد عرضه در سال ۲۰۲۷ افزایش یافته که می‌تواند به کاهش فشار بازار در میان‌مدت منجر شود. مهم‌ترین تغییرات میان دو گزارش در جدول ۱ خلاصه شده است.

جدول ۱. مقایسه مهم‌ترین برآوردها و تغییرات گزارش‌های ژوئیه و اوت

شاخص	گزارش ژوئیه	گزارش اوت	تغییر و پیام تحلیلی
تغییر تقاضای جهانی در ۲۰۲۶	کاهش ۱.۰ میلیون بشکه در روز	کاهش ۱.۶ میلیون بشکه در روز	تضعیف بیشتر چشم‌انداز تقاضای جهانی
عرضه جهانی در ۲۰۲۶	۱۰۲.۶ میلیون بشکه در روز	حدود ۱۰۲.۰ میلیون بشکه در روز	کاهش برآورد عرضه نسبت به گزارش ژوئیه
کسری بازار در سه‌ماهه سوم ۲۰۲۶	۰.۸ میلیون بشکه در روز	۱.۸ میلیون بشکه در روز	تشدید فشار کوتاه‌مدت بر عرضه
تغییر موجودی جهانی	افزایش ۲۱ میلیون بشکه در ژوئن	کاهش ۶۹ میلیون بشکه در ژوئیه	کاهش حاشیه امنیت بازار؛ بخش عمده کاهش مربوط به نفت روی آب است

شاخص	گزارش ژوئیه	گزارش اوت	تغییر و پیام تحلیلی
رشد عرضه جهانی در ۲۰۲۷	۷.۵ میلیون بشکه در روز	۸.۳ میلیون بشکه در روز	افزایش احتمال بازگشت عرضه و کاهش فشار بازار در میان مدت

توضیح: ستون‌های «گزارش ژوئیه» و «گزارش اوت» بیانگر برآوردها یا داده‌های منعکس‌شده در هر یک از گزارش‌های ماهانه هستند و لزوماً به عملکرد همان ماه اشاره ندارند. همچنین داده‌های گزارش‌های ماهانه ممکن است در گزارش‌های بعدی بازنگری شوند. برای نمونه، رقم صادرات ژوئن در گزارش اوت بازنگری شده است؛ بنابراین کاهش ۲.۱ میلیون بشکه‌ای صادرات ژوئیه از مبنای بازنگری‌شده گزارش اوت محاسبه شده و نباید مستقیماً با رقم ۱۶.۱ میلیون بشکه‌ای گزارش ژوئیه مقایسه شود.

این مقایسه نشان می‌دهد که مهم‌ترین تغییر در فاصله دو گزارش، افزایش فشار کوتاه‌مدت بر بازار در کنار تضعیف چشم‌انداز تقاضاست. در مقابل، افزایش پیش‌بینی رشد عرضه در سال ۲۰۲۷ نشان‌دهنده احتمال بازگشت بخشی از عرضه مختل‌شده و کاهش فشار بازار در میان مدت است. بنابراین، ارقام دو گزارش را نباید صرفاً به صورت جداگانه مقایسه کرد؛ بلکه روند تغییر برآوردها و مبنای محاسبه داده‌ها اهمیت بیشتری دارد.

❖ ایران؛ تبدیل ظرفیت به درآمد، مسئله اصلی

تولید نفت ایران در ژوئیه به حدود ۲.۶۳ میلیون بشکه در روز رسید، در حالی که ظرفیت پایدار تولید حدود ۳.۸۰ میلیون بشکه در روز برآورد شده است. این فاصله وجود ظرفیت استفاده‌نشده را نشان می‌دهد، اما نمی‌توان صرفاً بر اساس این دو رقم نتیجه گرفت که علت آن محدودیت صادرات است. عوامل فنی و عملیاتی، تحریم‌ها، محدودیت سرمایه‌گذاری و اختلالات منطقه‌ای نیز می‌توانند در ایجاد این فاصله نقش داشته باشند. بنابراین مسئله اصلی ایران نه فقط افزایش تولید، بلکه تبدیل ظرفیت موجود به تولید پایدار، صادرات مستمر و درآمد قابل وصول است. بر این اساس، کاهش ریسک صادرات، تقویت پایانه‌ها و ذخیره‌سازی، تنوع‌بخشی به مسیرهای فروش و افزایش انعطاف‌پذیری در بازارهای صادراتی باید در مرکز سیاست نفتی قرار گیرد. همچنین درآمد نفتی در دوره قیمت‌های بالا بهتر است به جای تبدیل‌شدن به هزینه جاری، برای توسعه زیرساخت، فناوری، ذخایر راهبردی و کاهش مصرف انرژی به کار گرفته شود تا اثر آن در افزایش تاب‌آوری اقتصاد باقی بماند.

❖ سه سناریوی تحلیلی برای ایران

سناریوهای این بخش، سناریوهای تحلیلی نویسنده هستند و باید از پیش‌بینی‌های رسمی IEA تفکیک شوند. در سناریوی کاهش تنش، صادرات آسان‌تر و هزینه حمل کمتر می‌شود، اما احتمال کاهش قیمت نفت وجود دارد؛ در این وضعیت، فرصت اصلی ایران افزایش حجم صادرات و تثبیت بازار خواهد بود. در سناریوی تداوم اختلال،

قیمت نفت بالا می‌ماند، اما هزینه حمل و بیمه نیز افزایش می‌یابد و در نتیجه قیمت بالاتر الزاماً به معنای درآمد خالص بیشتر نیست. در سناریوی تشدید بحران، قیمت نفت ممکن است جهش کند، اما فروش، حمل و وصول درآمد دشوارتر خواهد شد. بنابراین سناریوی مطلوب برای ایران صرفاً نفت گران نیست، بلکه ترکیبی از قیمت مناسب، صادرات پایدار، هزینه قابل کنترل و درآمد قابل وصول است.

❖ پیامدها برای صنایع اصفهان

تحولات بازار جهانی نفت لزوماً به صورت مستقیم و فوری به افزایش تعرفه انرژی صنایع داخلی منجر نمی‌شود. اثر این تحولات بر صنایع اصفهان احتمالاً بیشتر از مسیر هزینه حمل و نقل، تأمین سوخت و مواد اولیه، بیمه، لجستیک صادراتی و تصمیم‌های داخلی در حوزه انرژی ظاهر خواهد شد. بنابراین صنایع انرژی‌بر مانند فولاد و سیمان باید افزایش احتمالی هزینه انرژی و حمل را در برنامه مالی خود لحاظ کنند و بنگاه‌های وابسته به فرآورده‌های نفتی نیز برای مواد اولیه و سوخت حیاتی، سطح ذخیره ایمن داشته باشند. کاهش مصرف انرژی نیز باید به عنوان ابزار کاهش هزینه و افزایش تاب‌آوری اقتصادی دنبال شود، نه صرفاً به عنوان یک هدف زیست‌محیطی.

❖ جمع‌بندی

بازار جهانی نفت در کوتاه‌مدت با تشدید کسری عرضه و کاهش موجودی‌ها مواجه است، اما این وضعیت در شرایطی شکل گرفته که پیش‌بینی تقاضای جهانی نیز ضعیف‌تر شده است. در میان‌مدت، احتمال افزایش عرضه در سال ۲۰۲۷ همچنان قابل توجه است، هرچند تحقق آن به عادی شدن مسیرهای انتقال و صادرات و بازگشت عرضه مختل شده بستگی دارد. از این رو، شرایط فعلی و قیمت‌های بالا نباید مبنای دائمی تصمیم‌های اقتصادی و بودجه‌ای قرار گیرد.

برای ایران، مزیت اصلی صرفاً در داشتن ظرفیت تولید نیست، بلکه در توانایی تبدیل این ظرفیت به صادرات پایدار و درآمد قابل وصول است. بر این اساس، سیاست‌گذاری باید هم‌زمان بر کاهش ریسک صادرات و حمل و نقل، تقویت ذخایر و زیرساخت‌های نفتی، افزایش بهره‌وری پالایش، کاهش مصرف انرژی و تبدیل درآمد نفتی به سرمایه‌گذاری مولد متمرکز باشد. برای صنایع اصفهان نیز مدیریت ریسک باید با در نظر گرفتن نوسان قیمت انرژی، هزینه حمل، بیمه، تأمین مواد اولیه و اختلالات لجستیکی تقویت شود. پیام نهایی گزارش این است که راهبرد اقتصادی ایران نباید بر انتظار برای تداوم نفت گران بنا شود؛ بلکه باید به گونه‌ای طراحی شود که اقتصاد در برابر هر دو وضعیت نفت گران و نفت ارزان، از تاب‌آوری کافی برخوردار باشد.